آشنایی با داستان زندگی ۱۰ معلول موفق به بهانه ۳۱ تیرماه، روز معلولان جسمی و حرکتی

مشاهیر معلول جسمی و حرکتی

ترجمه: ستاره‌محمد

آخرین روز از تیرماه، «روز معلولان جسمی و حرکتی» نام دارد. این نامگذاری با هدف افزایش آگاهی عمومی درمورد معلولیت‌های مختلف و تاکید بر اهمیت مشارکت افراد معلول در تمامی جنبه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جوامع، انجام شده است. در حال حاضر بیش از ۱۵ درصد از جمعیت جهان به دلیل نقص‌های جسمی و روانی از معلولیت رنج می‌برند. اگرچه این افراد به دلیل کم‌توانی یا ناتوانی خود با محدودیت‌ها و موانع بسیاری مواجه هستند، تاریخ تا امروز شاهد دستاوردهای خارق‌العاده بسیاری از زنان و مردان معلول بوده است؛ دستاوردهایی که شاید تحقق آنها برای افراد سالم و توانا نیز دشوار و دور از ذهن به نظر برسد. مشکلات مربوط به سلامت، مشکلات مالی، اختلافات خانوادگی و استرس‌های شغلی و محیطی همگی می‌توانند انسان را دچار افسردگی و انزوا کنند. متاسفانه افراد زیادی در چنین مواقعی از زندگی ناامید می‌شوند و دست به خودکشی می‌زنند اما پشتکار و شهامت معلولان موفق نشان می‌دهد این مشکلات از ارزش زندگی نمی‌کاهند، بلکه انسان باید با حمایت از خود و استفاده از کوچک‌ترین توانایی‌هایش زندگی را از نو بسازد. در ادامه با داستان زندگی ۱۰ فرد کم‌توان و ناتوان موفق در سرتاسر جهان آشنا خواهید شد. اگر آنها توانسته‌اند با کمترین امکانات، زندگی خود و دیگران را تغییر دهند، پس شما نیز می‌توانید!

۱. آلکس زانادری
عامل ناتوانی: تصادف و قطع عضو
حرفه: قهرمان اتومبیلرانی ایتالیایی

این دوچرخه‌سوار و قهرمان اتومبیلرانی ایتالیایی، پس از بارها قهرمانی در مسابقات فرمول یک در آلمان به دنیا آمد. پدرش از زمان کودکی آموزش موسیقی به او را آغاز کرد اما مردی الکلی بود و تلاش داشت بتهوون را با رفتار نامناسب و کتک زدن به کودکی اعجوبه مانند «موتزارت» تبدیل کند. البته بتهوون خود از استعدادی بی‌نظیر برخوردار بود. او در ۱۷ سالگی مادرش را از دست داد و با درآمدی که از دربار دریافت می‌کرد، مخارج برادران خود را برعهده گرفت. بتهوون از ۲۴ سالگی نوازندگی پیانو و آهنگ‌سازی را به صورت حرفه‌ای آغاز کرد. زمان زیادی طول نکشید که وی به نوازنده‌ای چیره‌دست و آهنگ‌سازی سرشناس تبدیل شد. او در دوران جوانی بعد از سال ۱۸۰۳ میلادی به‌تدریج شنوایی خود را از دست داد و دچار بحران روانی شدیدی شد. بعضی‌ها معتقدند ناشنوایی او به‌دلیل باس زیاد سمفونی ۵ ایجاد شده اما مطالعاتی دیگر نشان می‌دهند این موضوع با سرب زیاد موجود در پیانوی شخصی او ارتباط دارد. با وجود ناشنوایی، بتهوون همچنان به خلق آثار خارق‌العاده خود ادامه داد. هرچند خودش هیچ‌گاه این آثار را نشنید اما ثابت کرد موسیقی فراتر از آن است که با نشنیدن محدود شود. بتهوون در سال ۱۸۲۷ میلادی به دلیل وخامت سلامت، جان خود را از دست داد.

۲. هلن کلر
عامل ناتوانی: نابینایی و ناشنوایی
حرفه: سخنران، نویسنده و فعال سوسیالیست آمریکایی

هلن در سال ۱۸۸۰ میلادی در آلاباما به دنیا آمد. او در بدو تولد، نوزادی کاملا سالم بود اما در ۱۸ ماهگی به‌دنبال ابتلا به بیماری منژیت، قدرت بینایی و شنوایی خود را از دست داد. دوران کودکی او با فرازونشیب‌های بسیاری طی شد. کلر در ۷ سالگی با معلمی به نام «سالیوان» آشنا شد. نقش سالیوان در پیشرفت‌های زندگی هلن به‌قدری پررنگ بود که هلن روز آشنایی خود با او را مهم‌ترین روز زندگی‌اش نامگذاری کرد. سالیوان به هلن کمک کرد با دنیای بیرون ارتباط برقرار کند. او تا پایان عمر خود نزد هلن باقی ماند. کلر در کودکی زمستان‌ها را برای آموزش خط بریل در موسسه «پرکینز» می‌گذراند. همچنین با کمک «سارا فولر» در بوستون آموزش صحبت کردن و لب‌خوانی از طریق لمس دهان و گلوی شخص صحبت‌کننده را فرا گرفت. او بسیار به ادامه تحصیل علاقه‌مند بود و با کمک سالیوان، اولین فرد نابینا و ناشنوایی بود که از دانشگاه فارغ‌التحصیل شد. سالیوان درواقع همراه با او در کلاس‌ها شرکت می‌کرد و سخنرانی‌ها را در کف دست او می‌نوشت. کلر از زمان تحصیل در دانشگاه، نویسندگی را به صورت حرفه‌ای آغاز کرد و آن را تا ۵۰ سال بعد ادامه داد. او همچنین در تاسیس مرکزی برای جوانان و بزرگسالان نابینا-ناشنوا نقش داشت و عضو حزب سوسیالیست آمریکا بود. هلن در زمینه دفاع از حقوق زنان و کارگران صنعتی جهان نیز فعال بود. او در سال ۱۹۶۸ میلادی در ۸۷ سالگی درگذشت.

۳. جان نش
عامل ناتوانی: اسکیزوفرنی
حرفه: ریاضیدان نابغه آمریکایی

«جان فوربز نش جونیور»، ریاضیدان برجسته آمریکایی و برنده جایزه نوبل اقتصاد بود، در حالی که بیش از ۳۰ سال از بیماری روانی اسکیزوفرنی پارانوئید رنج می‌برد. او یکی از معروف‌ترین استادان ریاضی دانشگاه پرینستون بود. همچنین موفق به دریافت ۳ دکترای افتخاری از ۳ دانشگاه مختلف شد. یافته‌های جان در زمینه هندسه و معادلات دیفرانسیل مجزا، هنوز هم خارق‌العاده‌اند. علائم بیماری روانی او چند سال پس از فارغ‌التحصیل شدن از دانشگاه شروع شد. اما این بیماری هیچ‌گاه بر علاقه او به ریاضیات تاثیر نگذاشت. جان صداهایی را می‌شنید که او را وادار به انجام کارهایی برخلاف خواسته‌اش می‌کردند. بیماری جان به‌تدریج به‌قدری شدت یافت که باعث از دست دادن کرسی او در دانشگاه شد. درنهایت او در بیمارستان بستری شد اما با همراهی همسر و اراده خود طی ۳ دهه توانست بر علائم بیماری پیروز شود و بخش بزرگی از توهمات و هذیان‌های خود را دور بریزد و مجدد به دنیای ریاضیات بازگردد. جالب است بدانید پسر اول جان نیز ریاضیدان است و به اسکیزوفرنی مبتلاست. داستان زندگی جان در کتابی تحت عنوان «ذهن زیبا» و در فیلمی با همین نام، با بازی راسل کرو به نمایش درآمده است. این فیلم برنده ۴ جایزه اسکار از جمله جایزه اسکار بهترین فیلم شد. جان نش در سال ۲۰۱۵ میلادی همراه همسرش حین تصادف رانندگی در تاکسی جان خود را از دست داد.

۴. کریستی براون
عامل ناتوانی: فلج مغزی
حرفه: شاعر، نقاش و نویسنده

کریستی براون در سال ۱۹۳۲ میلادی در ایرلند در خانواده‌ای پرجمعیت به دنیا آمد. او از زمان تولد به دلیل ابتلا به فلج مغزی، معلول بود و قادر نبود حرکت و صحبت کند. پزشکان معتقد بودند از لحاظ ذهنی نیز عقب‌مانده است اما مادرش امید خود را از دست نداد و شروع به صحبت و آموزش‌های مختلف به او کرد. کریستی در این مدت پیشرفت بسیاری داشت و علاقه خاصی به هنر و ادبیات نشان داد. او در ۵ سالگی موفق شد با انگشتان پای چپ خود یک تکه گچ را بردارد و آن را روی تخته بکشد. بنابراین از این طریق توانست با دیگران ارتباط برقرار کند. اگرچه تحصیلات رسمی مدرسه‌ای را نگذرانده بود، گاه به گاه به موسسه آموزشی سنت برندان مراجعه می‌کرد. کریستی در این موسسه با نویسنده‌ای مشهور به نام دکتر «رابرت کالیس» آشنا شد و با کمک او در سال‌های بعد، زندگینامه خود را منتشر کرد. او در سال ۱۹۷۲ میلادی ازدواج کرد و درنهایت در ۴۹ سالگی به دلیل خفگی حین صرف شام جان خود را از دست داد. داستان زندگی کریستی در فیلمی تحت عنوان «پای چپ من» در سال ۱۹۸۹ میلادی به نمایش درآمد و جایزه آکادمی اسکار را از آن خود کرد.

۵. دموستن
عامل ناتوانی: لکنت زبان
حرفه: سخنور

دموستن یکی از برجسته‌ترین و تاثیرگذارترین سخنرانان و دولتمردان تاریخ در یونان باستان است. او که در سال ۳۸۴ پیش از میلاد متولد شد از کودکی دچار لکنت زبان بود. پدر دموستن مردی ثروتمند بود اما پس از مرگ او، مراقبان قانونی دموستن بخش عظیمی از ثروت پدرش را از آن خود کردند و دموستن را در سن ۷ سالگی به پرورشگاه سپردند. دموستن که با مشکلات بسیاری مواجه بود در ۱۱ سالگی اقدام به خودکشی کرد اما زنده ماند. پس از آن تصمیم گرفت قدرت نطق و بیان خود را تقویت کند تا با رسیدن به سن قانونی بتواند مراقبان خود را به دادگاه بکشاند و ثروت پدرش را پس بگیرد. او ساعت‌ها تنها در ساحل می‌نشست و در حالی که دهانش را پر از سنگریزه می‌کرد به تمرین سخنوری می‌پرداخت. همچنین گودالی در خاک برای خود حفر کرده بود و ساعت‌ها در آن می‌نشست تا سخنرانی را تمرین کند. اطراف گودال را نیز تیغ‌هایی قرار داده بود که باعث می‌شدند کمتر دستش را حرکت دهد. در نتیجه قدرت بیانش بیشتر می‌شد. او حتی نیمه‌ای از موهای سرش را می‌تراشید تا مجبور شود در گودال باقی بماند و برای روزهای طولانی به تمرین ادامه دهد. دموستن سرانجام به یکی از برجسته‌ترین سخنرانان تاریخ تبدیل و با دفاع از حق خود در دادگاه، برنده شد.

۶. لودویگ فان بتهوون
عامل ناتوانی: ناشنوایی
حرفه: آهنگساز

«لودویگ فان بتهوون»، یکی از برجسته‌ترین آهنگسازان و موسیقیدانان جهان است. او در سال ۱۷۷۰ میلادی در آلمان به دنیا آمد. پدرش از زمان کودکی آموزش موسیقی به او را آغاز کرد اما مردی الکلی بود و تلاش داشت بتهوون را با رفتار نامناسب و کتک زدن به کودکی اعجوبه مانند «موتزارت» تبدیل کند. البته بتهوون خود از استعدادی بی‌نظیر برخوردار بود. او در ۱۷ سالگی مادرش را از دست داد و با درآمدی که از دربار دریافت می‌کرد، مخارج برادران خود را برعهده گرفت. بتهوون از ۲۴ سالگی نوازندگی پیانو و آهنگ‌سازی را به صورت حرفه‌ای آغاز کرد. زمان زیادی طول نکشید که وی به نوازنده‌ای چیره‌دست و آهنگ‌ساز سرشناس تبدیل شد. او در دوران جوانی بعد از سال ۱۸۰۳ میلادی به‌تدریج شنوایی خود را از دست داد و دچار بحران روانی شدیدی شد. بعضی‌ها معتقدند ناشنوایی او به‌دلیل باس زیاد سمفونی ۵ ایجاد شده اما مطالعاتی دیگر نشان می‌دهند این موضوع با سرب زیاد موجود در پیانوی شخصی او ارتباط دارد. با وجود ناشنوایی، بتهوون همچنان به خلق آثار خارق‌العاده خود ادامه داد. هرچند خودش هیچ‌گاه این آثار را نشنید اما ثابت کرد موسیقی فراتر از آن است که با نشنیدن محدود شود. بتهوون در سال ۱۸۲۷ میلادی به دلیل وخامت سلامت، جان خود را از دست داد.

۷. فریدا کالو
عامل ناتوانی: قلع اطفال، آسیب در تصادف
حرفه: نقاش

فریدا کالو، نقاش برجسته مکزیکی و از زنان نامدار تاریخ هنر معاصر است. آثار او بیشتر شامل خودنگاره، منظره و تخیل می‌شود. کالو در سال ۱۹۰۷ میلادی در حومه مکزیک به دنیا آمد. پدرش نقاش و عکاسی مشهور بود و پرتره‌های بسیاری از دوران کودکی فریدا می‌کشید. فریدا در ۶ سالگی به فلج اطفال مبتلا شد و به دنبال آن دچار انحراف دائمی در پای راست شد. درواقع پای راست او همیشه لاغرتر از پای چپش بود و به همین دلیل مجبور می‌شد از دامن‌های بلند استفاده کند. فریدا در سال ۱۹۲۵ میلادی دانشجوی رشته پزشکی بود که بر اثر تصادف اتوبوس از ناحیه شانه، سینه، کمر و لگن دچار آسیب جدی شد. او به دلیل آسیب به رحم از داشتن فرزند نیز محروم ماند. پس از این تصادف، فریدا مدت‌ها در بستر قرار گرفت اما به جای ناامیدی و پایان دادن به رویاهای خود، به نقاشی روآورد. او با نقاشی توانست روحیه خود را تقویت کند و درنهایت بهبود یابد و راه برود؛ اگرچه درد پای او هیچ‌گاه از بین نرفت. فریدا در سال ۱۹۵۳ میلادی به دلیل وخامت بیماری قانقاریا، یکی از پاهای خود را از دست داد و ویلچرنشین شد. او در سال ۱۹۵۴ میلادی به دلیل انسداد جریان خون از دنیا رفت. داستان زندگی او در فیلمی سینمایی تحت عنوان «فریدا» به نمایش درآمده است.

۸. مارلا رانیان
عامل ناتوانی: بیماری اشتارگارت و نابینایی
حرفه: دونده حرفه‌ای

مارلا در سال ۱۹۶۹ میلادی در کالیفرنیا به دنیا آمد. او در ۹ سالگی به بیماری اشتارگارت (نوعی بیماری ژنتیکی شبکیه چشم) مبتلا شد. این بیماری باعث شد تا آخر عمر نابینا بماند. با این حال از تلاش دست نکشید و در سال ۱۹۸۷ میلادی از دبیرستان فارغ‌التحصیل شد و با شروع به تحصیل در دانشگاه، فعالیت ورزشی خود را آغاز کرد. مارلا موفق به دریافت کارشناسی ارشد در رشته آموزش به کودکان نابینا-ناشنوا شد و ۳ بار عنوان قهرمان ملی در مسابقه دوی ۵ هزار متر بانوان را از آن خود کرد. او تاکنون مدال‌ها و تقدیرنامه‌های بسیاری را در مسابقات ورزشی ملی و بین‌المللی دریافت کرده که از جمله آنها می‌توان به ۴ مدال طلا در پارالمپیک تابستانی ۱۹۹۲، مدال نقره در پارالمپیک ۱۹۹۶ در رشته پرتاب وزنه و مدال طلا در مسابقات پنجگانه اشاره کرد. مارلا در سال ۲۰۰۱ میلادی زندگینامه خود را با عنوان «خط پایانی نیست: زندگی من آنطور که من آن را می‌بینم» به چاپ رساند.

۹. استیوی واندر
عامل ناتوانی: نابینایی
حرفه: موسیقیدان، خواننده، نوازنده

«استیولند هاردوی جودکینز» که به «استیوی واندر» مشهور است، یکی از محبوب‌ترین خوانندگان، ترانه‌سرایان، نوازندگان و تهیه‌کنندگان موسیقی در آمریکاست. او در سال ۱۹۵۰ میلادی در ایالت میشیگان به دنیا آمد و از بدو تولد نابینا بود. استیو از ۱۲ سالگی فعالیت حرفه‌ای خود را در زمینه موسیقی آغاز کرد. او که از استعداد خارق‌العاده‌ای برخوردار بود از کودکی لقب «واندر» به معنای حیرت‌انگیز را از آن خود کرد. استیو تا امروز ۲۲ جایزه «گرمی»، جایزه یک عمر دستاورد «گرمی» و اسکار بهترین ترانه را دریافت کرده است. همچنین بیش از ۳۰ ترانه او در جایگاه ۱۰ ترانه برتر روز قرار گرفته‌اند. استیو تاکنون ۱۰ ترانه شماره ۱ در فهرست پرفروش‌ترین‌های موسیقی پاپ و ۲۰ ترانه شماره ۱ در فهرست پرفروش‌ترین‌های آرانديی (R&B) در آمریکا داشته است. او از سال ۲۰۰۹ میلادی نیز به‌عنوان سفیر صلح سازمان ملل به نمایندگی افراد معلول انتخاب شده است.

۱۰. رالف براون
عامل ناتوانی: دیستروفی عضلانی
حرفه: تاجر، موسس و رئیس شرکت براون

«رالف ویلیام براون»، موسس و مدیر شرکت و کارخانه نام‌آور براون (Braun) است؛ شرکتی که باکیفیت‌ترین ویلچرها را تولید می‌کند. او در سال ۱۹۴۰ میلادی در آمریکا به دنیا آمد. در ۶ سالگی، پزشکان بیماری دیستروفی عضلانی را برای او تشخیص دادند. رالف به‌تدریج توانایی خود را برای راه رفتن از دست داد و از ۱۴ سالگی مجبور به استفاده از ویلچر شد. در ۱۵ سالگی با کمک پدرش شروع به ساختن یک واگن موتوردار برای حرکت آسان‌تر کرد. ۵ سال بعد نیز یک اسکوتر برقی درست کرد که با کمک آن به محل کار خود می‌رفت. او در سمت مدیر کنترل کیفی یک کارخانه استخدام شده بود. رالف در سال ۱۹۷۰ میلادی اولین سیستم خود را برای سوار شدن معلولان با ویلچر به اتومبیل طراحی کرد. پس از ارائه آن به بازار و استقبال از ساخته او، براون شغل قبلی خود را کنار گذاشت و به ابداعات در زمینه کمک به معلولان ادامه داد. او در سال ۱۹۹۱ میلادی ویلچر برقی را به بازار ارائه داد و از طریق ابداعات مختلف خود زندگی میلیون‌ها فرد معلول را تحت تاثیر قرار داد. براون در سال ۲۰۱۲ میلادی توسط رئیس جمهور آمریکا، باراک اوباما، «قهرمان تغییر» نام گرفت. او در سال ۲۰۱۳ میلادی در محل تولد خود از دنیا رفت.

منابع: successstory.com / mentalfloss.com